

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی  
۲۰ سپتمبر ۲۰۱۴

## کشتار به وسیله درون جنگ امریکا در افغانستان

هرچند اوباما کوشش می کند تا جنگی را که در افغانستان پیش می برند طور دیگری وانمود کند، برایش ممکن نیست چون واضح و آشکار است که اضلاع متحده امریکا هنوز هم در افغانستان مشغول جنگ است. چنانچه طیارات جنگی امریکا به روز سه شنبه در ولایت کنر که در خط سرحدی با پاکستان قرار دارد، باعث قتل حد اقل یازده انسان ملکی و زخمی شدن دوازده انسان دیگر گردید. در جمله کشته شدگان دو زن و دو طفل هم جانهای شیرین شان را از دست دادند. در واقع نیروهای جنگی هوایی امریکا یک گروه از اهالی قریه را مورد بمباران قرار دادند که آنها بعد از کارکردن روی زمینها به خانه های خود بر می گشتند. چند لحظه بعد از این واقعه، سلسله ضربات دومی خود را بالای انسانهایی وارد می کند که آنها جهت کمک به زخمی ها و نجات آنها و پوشانیدن روی مرده ها جمع شده بودند. آمر پولیس کنر موضوع را طوری وانمود می کند که قبل از حملات قوای هوایی امریکا بالای مردم، کرمه های مشترک عساکر امریکائی و عساکر افغان در کمین شوریشیان افتاده بودند و همین موضوع باعث شد تا صاحب منصب امریکائی قوای محافظ هوایی را به کمک بطلبد.

به مانند وقایعی که قبلاً در افغانستان به وقوع پیوسته بود و رئیس جمهور حامد کرزی با لحن شدید به خاطر قتل و قتل مردم ملکی توسط قوای متجاوزگر اعتراض نموده بود، این بار هم با لحن درشتی علیه عملکرد نیروهای امریکائی اعتراض نمود. در حالی که کرزی مانند کسانی دیگرانی که با ارتش اشغالگر امریکائی همکاری می کنند، خوب می داند که اسقرار قوای امنیتی امریکا به پرداخت قیمت گزافی تمام می شود که غیر قابل اجتناب است. به تاریخ ۲۲ اگست امریکا در ولایت لوگر یک درون را علیه یک گروهی که موظف به ساختن سرک بودند، مورد استفاده قرار داد که شاید به نظر آنها اشتبهاً به حیث گروه مین گزار قلمداد شده بودند. با حمله ای که طی استفاده از درون صورت گرفته بود، سه مرد به قتل رسید و دو مرد دیگر شدید زخمی شدند. یک روز قبل از این حادثه عساکر امریکائی در ولایت هرات دو طفلی را که در نزدیک پایگاه آنها مصروف جمع آوری کثافات و اشیاء بودند، هدف فیر گلوله قرار داده و هر دو طفل را به قتل رسانیدند. به همین ترتیب به تاریخ چار اگست یک هلیکوپر جنگی امریکائی در شهر هرات چهار عضو یک خانواده را که متشکل از دو مرد و یک زن و یک طفل که یکجا سوار بر موتر سیکلی در راه بودند، مورد بمبارد قرار داده و همه را به قتل رسانید. با وجودی که مقامات افغان تمام وقایعی را که رخ داده، تصدیق می کنند مگر قوای نظامی امریکا آن را رد می کند.

با وجودیکه در سالهای گذشته چند مرتبه مراسم عالی و عاطفی خدا حافظی با قوای امنیتی امریکا در افغانستان برگزار شده بود مگر هنوز هم ۳۳۰۰۰ نفر از قوای امنیتی امریکا در افغانستان مستقر هستند. تعداد عساکر امریکائی مستقر در افغانستان با متحدینش به ۴۰۰۰۰ نفر می رسد. در آخر همین سال دولت های تجاوزگر جهت فریب خلق ها از نودوباره مراسم بزرگ خداحافظی را تجلیل خواهند نمود.

در حقیقت بعد از تظاهر خروج قوا هنوز هم ۹۸۰۰ عسکر امریکائی در افغانستان باقی می ماند. در پهلوی اهدافی که در ظاهر پیش می کشند یعنی تعلیمات قوای بومی، آنها باید علیه شورشیان تحت عنوان جدید " مبارزه علیه تروریسم" جنگ شان را ادامه بدهند.

قرار تعهد اوباما، استقرار عساکر امریکا در افغانستان باید تا آخر سال ۲۰۱۶ ادامه داشته باشد. بعداً همه عساکر واقعاً خارج خواهند شد. دو سال بعد برنده جایزه صلح نوبل، آنی که امریکائی ها وی را یک "مرغابی شل" نام گذاشته اند، یک رئیس جمهور است که وظیفه اش به آخر می رسد و امکانات معاملاتش شدیداً محدود است. این دیگران اند که در زمینه خروج قوا تصمیم خواهند گرفت.

منبع:

13.09.2014 / Ansichten / Seite 8

#### افزوده مترجم:

با آن که در تحلیل نویسنده های غربی به ارتباط افغانستان و چه بسا سایر کشور ها، همیشه نقاط ضعف، کمبود و حتا تحریفاتی وجود دارد که نه تنها بوی ماستمالی از آن استشمام می شود، بلکه دقیقاً و هدفمندانه جهت دگرگونه جلوه دادن وقایع آن کشور ها، می تواند نگارش یافته باشد، مگر برخورد با آنها با قید احتیاط و نقاط ضعف و فریبکارانه آن را از نظر دورداشتن، می تواند از بسا جهات دارای اهمیت بسزائی باشد.

نخستین اهمیت آن، نشان دادن مواضع بالنسبه سالم خارجی ها در تحلیل از وقایع کشور غیر خودشان، اگر از یک طرف دال بر بردن مواضع مردمان کشور مورد بحث در بین قلمزنان خارجی است، از جانب دیگر مشت محکمی است به دهان آن عده بیهوده گویانی که در تمام مدت برمحاسن و خوبی اشغال تائید می ورزند.

نکته دوم، استفاده از معلومات تا حدی بیشتر قلمزنان خارجی به ارتباط وقایع می باشد، امری که از یک جانب دوری و بی خبری مردم ما از وقایع پشت پرده و از طرف دیگر مشکلات اکثریت مردم بازبانها خارجی، باعث محدود نگری ها می تواند بگردد.

آنچه به ارتباط این مقاله نباید، نادیده گرفته شود، دید انحرافی نویسنده و تا حدی تلاشی است که برای اقناع خواننده از «اجتناب ناپذیر بودن تلفات جانبی» انجام می دهد. نویسنده با آن که در ظاهر امر از قتل و قتل نام می برد، مگر طی جملات خودش می کوشد به خواننده تفهیم نماید که گویا بروز تلفات جانبی در چنین یک جنگی اجتناب می باشد.

در اینجا باید افزود که نخست اصل مسأله تلفات جانبی و اجتناب پذیر بودن و نبودن آن نیست، بلکه اساس مسأله عدم مشروعیت و غیر انسانی بودن این جنگ تجاوزکارانه می باشد، حال می خواهد تلفات جانبی داشته باشد و می خواهد هم نداشته باشد. در ماهیت جنگ تجاوزکارانه تغییری رخ نمی دهد.

در ثانی با فرض محال که مشروعیت جنگ مورد سؤال قرار نگیرد، تاریخ جنگها نشان داده که در پس تمام تلفات به ظاهر اجتناب ناپذیر، صرف نظر از کم توجهی نیروهای اشغالگر به حیات بومیان یک سرزمین و در واقع حیات آنها را به هیچ گرفتن، به نحوی سیاست های پاکسازی و تصفیه های خونین ارتش اشغالگر نیز دخیل بوده و می باشد. که

اگر چنین نبوده و نباشد نه وقایعی از سنخ شهردردردن المان بعد از ختم جنگ عمومی دوم به وجود می آمد و نه هم،  
همه روزه خون مردم ما به زمین می ریخت.